

فصلنامه پژوهشنامه نسخه‌شناسی متون نظم و نثر فارسی

سال سوم، شماره دهم، زمستان ۱۳۹۷

معرفی نسخه‌های خطی رساله‌های خواجه احمد کاسانی^۱

دکتر الهام رستاد^۲

استادیار زبان و ادبیات فارسی مرکز آموزش عالی اقلید

زینب رحمانیان کوشککی^۳

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا

چکیده

نسخه‌های خطی، میراث گران‌بهای فرهنگی است که تصحیح و احیای آن‌ها به حفظ و ارتقای علوم و معارف اسلامی ایرانی کمک فراوانی می‌کند. بسیاری از آثار عارفان به صورت نسخه خطی در کتابخانه‌های مختلف موجود است که از آن میان می‌توان به رساله‌های خواجه احمد کاسانی اشاره کرد. خواجه احمد کاسانی از عارفان قرن دهم و پیرو طریقه نقشبندیه است. وی در مقام یک پیر طریقت، در زمینه سیروسلوک عرفانی بیش از سی رساله تألیف کرده است. این رساله‌ها به صورت نسخه‌های خطی در کتابخانه‌های مختلف پراکنده است و تاکنون مجموعه رسائل وی به صورت کتاب به چاپ نرسیده است. در این مقاله، نسخه‌های خطی این رساله‌ها به همراه ویژگی‌های سبکی آن‌ها معرفی شده است. از آنجا که رساله‌های کاسانی به قصد تعلیم مریدان نوشته شده، دارای مضامین تکراری است و همین امر تصحیح برخی از رساله‌ها را دشوار می‌کند؛ زیرا تعدد رساله‌ها و پراکندگی آن‌ها،

تاریخ پذیرش: ۹۷/۸/۶

۱ تاریخ وصول: ۹۷/۵/۱۱

^۲ erastad@eghlid.ac.ir

^۳ zinabrahmaniankooshkaki@gmail.com

گاهی کاتب را دچار اشتباه و سردرگمی کرده و در حین نوشتن، مطالب چند رساله را به دلیل مشابهت ادغام کرده است.

واژه‌های کلیدی

خواجه احمد کاسانی، نسخه‌های خطی، رساله‌ها، ویژگی‌های سبکی.

۱. مقدمه

قرن دهم در تاریخ تصوف به دوره رکود معروف است. از ویژگی‌های این دوره، نزدیک شدن تصوف به شریعت و ایجاد فرقه‌های مختلف عرفانی است. یکی از فرقه‌های عرفانی که اوایل قرن هشتم شکل گرفت و قرن دهم در ماوراءالنهر و خراسان نفوذ و گسترش پیدا کرد، نقشبندیه بود. نقشبندیه طریقتی منسوب به خواجه بهاءالدین محمد نقشبند بخارایی (۷۱۷-۷۹۱ق) است که طریقت خود را ادامه سلسله خواجگان منسوب به عبدالخالق غجدوانی می‌دانست (معینان، ۱۳۵۲: ۹۶۶ پاورقی).

خواجه احمد کاسانی (۸۶۶-۹۴۹ق) یکی از مرشدان طریقت نقشبندیه است که شاخه‌ای از این فرقه به نام طریقت خواجگی را ایجاد کرد که بعدها با نام دهبیدیه یا کاسانیه معروف شد (پژوهنده، ۱۳۷۷: ۲۱۰). نوآوری‌های وی در فرقه نقشبندیه را می‌توان از طریق رساله‌هایش شناخت؛ رساله‌هایی که هنوز به صورت نسخه خطی در کتابخانه‌های مختلف پراکنده است. این عارف که در ماوراءالنهر می‌زیسته، یکی از شخصیت‌های مهم و تأثیرگذار بوده است و بی‌گمان معرفی دقیق رساله‌های وی و تصحیح آن‌ها تأثیر زیادی در مجموعه پژوهش‌های مربوط به سلسله نقشبندیه دارد.

۱-۱. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش دقیق و کاملی درباره معرفی نسخه‌های خطی رساله‌های سید احمد بن جلال‌الدین خواجگی کاسانی صورت نگرفته است. جلالی مقدم در جلد هفتم *دایرةالمعارف*

بزرگ اسلامی و نوشاهی در جلد اول *دانشنامه ادب فارسی* (آسیای میانه) ذیل مدخل احمد کاسانی، به زندگی و مجموعه مصنفات او اشاره شده است. بنی طبا در مقاله‌ای مختصر به زندگی و معرفی آثار وی پرداخته است (بنی طبا، ۱۳۸۹: ۹۳-۱۰۱). لیلا پژوهنده در مقاله خود ضمن معرفی مختصر زندگی و عقاید کاسانی، متن تصحیح شده رساله گل و نوروز وی را آورده است (۱۳۷۷: ۱۹۷-۲۳۸). منظر سلطانی و همکاران نیز مقاله‌ای با عنوان «معرفی جلال‌الدین احمد کاسانی و رسائل فارسی و ویژگی‌های سبکی او» نوشته‌اند (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۷۱-۱۸۸). کشمی بدخشی برهانپوری در پایان‌نامه دکتری خود بر اساس رساله *نسمات القدس من حدائق الانس* تصحیح منیر جهان‌ملک، درباره عظمت و کرامات مقام عرفانی خواجه‌گی کاسانی و زندگی وی که تحت تربیت شیخ لطف‌الله جستی مراحل سلوک و تصوف را طی کرده، به تربیت مریدان همت گماشته، سخنانی نقل می‌کند (کشمی بدخشی برهانپوری، ۱۳۷۴: ۲۵۴-۲۶۵).

با توجه به تعدد رساله‌های کاسانی و پراکندگی نسخه‌های خطی آن‌ها در کتابخانه‌های مختلف و در مواردی اشتباهات نسخه‌نویسان و ادغام برخی رساله‌ها با یکدیگر، می‌توان گفت تاکنون پژوهشی که به‌طور دقیق و کامل، مشخصات نسخه‌های خطی رساله‌ها را با ذکر ویژگی‌های آن‌ها بیان کند، صورت نگرفته است.

۲. زندگی و آثار کاسانی

سید احمد بن سید جلال‌الدین بن سید جمال‌الدین بن سید برهان‌الدین خواجه بن میر دیوانه بن سید برهان‌الدین قلج بن سید کمال‌الدین بن سید کمال‌الدین بن سید جلال‌الدین بن شاه حسین بن شاه حسن بن سید محمد بن سید احمد بن عبدالله بن عبدالله الافضل بن عبدالله بن طالب بن امام علی بن موسی الرضا معروف به «خواجه‌گی احمد» و «مخدوم اعظم» است (نفیسی، ۱۳۴۴: ۴۰۰-۴۰۱). کاسانی در رساله‌های خود، اشاره می‌کند که سلسله معنوی او از طریق مولانا قاضی به ابوبکر صدیق و پیامبر اسلام^(ص) منتسب می‌شود (کاسانی،

ش ۶۴۹: ۱۵۳-۱۵۶؛ کاسانی، ش ۱۴۰۱: ۶۹۴-۷۰۶ «۱۸۶-۱۹۲»؛ ابوالبقا، ش ۸۳۴: ۲؛ بخاری، (۱۳۷۱: ۱۱۳-۱۱۵). کاسانی طی دوازده سال در خدمت و صحبت مولانا قاضی، با پشت سر گذاردن یک دوره ریاضت دشوار و سخت (صفایی کاتب، ش ۱۱۰۶: ۲۲۹-۲۳۱)، در اندک زمان حرمت و تقرب بسیار یافت تا آنجا که مولانا قاضی به دیده حشمت و عزت بدو می‌نگریست (کشمی برهانپوری، ۱۳۷۴: ۲۵۵-۲۵۶؛ صفایی کاتب، ش ۱۱۰۶: ۳۶۹-۳۷۰؛ ابوالبقا، ش ۸۳۴: ۶۱-۶۲). او چندی برای گسترش این طریقت از تاشکند به کاسان رفت ولی در آنجا، اغتشاشات اجتماعی (این دوران مقارن است با نبردها و پیکارهای خونین میان ازبکان، تیموریان و صفویان در بخش‌هایی از ایران و فرارود و کشتارهای هول‌انگیز بر سر اختلاف مذهبی میان اهل سنت و شیعیان)، شایعات و تعرض‌ها و اهانت‌های پیاپی عرصه را بر او تنگ کرد و او ناگزیر به همراه خانواده به سمرقند سفر کرد و در آبادی‌ای که پس از اقامت او «دهیید» نام گرفت، در خارج شهر سمرقند مقیم شد (کشمی برهانپوری، ۱۳۷۴: ۲۵۷؛ ابوالبقا، ش ۸۳۴: ۹). پیش از استقرار در سمرقند، به سراسر بلاد اسلامی از جمله خراسان، هرات، مصر، مکه، هند و کابل سفر کرد. او در هرات شعر و موسیقی را نزد جامی آموخت (*International dictionary of historic places*, 165). با وجود سفرهای متعدد در حوزه ماوراءالنهر و خراسان، تا پایان عمر در دهیید زیست و همان‌جا وفات یافت. مقبره وی نیز در آنجاست. پس از او فرزندان او در آن روستا ماندگار شدند و از این روست که آن‌ها را دهییدی می‌خوانند. وی دارای چهار همسر، سیزده پسر و یازده دختر بود (کشمی برهانپوری، ۱۳۷۴: ۲۵۷). در شرح احوال و مقامات شیخ احمد، کتاب‌هایی نوشته شده است؛ مانند *انیس الطالبین* از قاسم بن محمد صفایی کاتب که نفیسی (۱۳۴۴: ج ۱، ۴۰۱) او را از مریدان کاسانی دانسته است. *جامع المقامات* که نوه‌اش ابوالبقا فرزند خواجه بهاء‌الدین نوشته است. *سلسله الصدیقین و انیس العاشقین* از دوست محمد بن نوروز احمد الکیشی. کتاب دیگری نیز از مؤلفی ناشناس با عنوان *مقامات حضرت مخدوم اعظم* موجود است (سمرقندی، ۱۳۶۷: ۲۱).

بررسی رساله‌ها نشان می‌دهد که دیدگاه‌های کاسانی در برخی موارد با طریقت نقشبندی

متفاوت بوده است؛ مثلاً به خلاف تفکر رایج نقشبندیه، او به سماع اعتقاد داشت و حتی رساله‌ای در این زمینه نوشته است. شاید یکی از دلایل او برای آموختن شعر و موسیقی از جامی همین بوده است. این امر اهمیت موسیقی را در زندگی وی نشان می‌دهد.

احمد کاسانی بیش از سی رساله در حوزه عرفان و تصوف به زبان فارسی از خود به یادگار گذاشته است که می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱. *آداب السالکین*؛ ۲. *آداب الصدیقین*؛ ۳. *اسرار النکاح*؛ ۴. *بابریه*؛ ۵. *بطیخیه*؛ ۶. *بکائیه* (رساله بابا آدم)؛ ۷. *نصیحت السالکین*؛ ۸. *شرح الولد سرآبیه*؛ ۹. *وجودیه / رساله وجود*؛ ۱۰. *واقعه الحقایق / واقعه حقانیه*؛ ۱۱. *مرشد السالکین*؛ ۱۲. *مرآة الصفا*؛ ۱۳. *گنجنامه / شرح کنت کنزاً مخفياً*؛ ۱۴. *نفحات السالکین*؛ ۱۵. *معراج العاشقین*؛ ۱۶. *گل و نوروز / گل نوروزی*؛ ۱۷. *شبییه*؛ ۱۸. *شرح مصرعه*؛ ۱۹. *سواد الوجه / رساله در فقر حقیقی*؛ ۲۰. *زبده السالکین و تنبیه السلاطین*؛ ۲۱. *در بیان ذکر / رساله ذکر*؛ ۲۲. *ذکر قلبی و تلقین*؛ ۲۳. *تنبیه العلماء*؛ ۲۴. *تنبیه السلاطین / عدالت سلاطین*؛ ۲۵. *چهار کلمه*؛ ۲۶. *سماعیه*؛ ۲۷. *سلسله الصدیقین*؛ ۲۸. *شرح رباعی «احول نیم ای دوست...»*؛ ۲۹. *بیان سلسله خواجهگان*؛ ۳۰. *فنائیه*؛ ۳۱. *تعریف کلمه صوفی*.

مجموعه‌هایی از این رساله‌ها در کتابخانه‌های فردوسی و رودکی در شهر دوشنبه تاجیکستان، ابوریحان بیرونی در تاشکند، پتنه، گنج بخش، موزه ملی در پاکستان و فرهاد معتمد در تهران موجود است (نک: عبدالمقتدر، ۱۹۴۲: ج ۲، ۱۳۱-۱۳۵؛ منزوی، ۱۳۶۴: ج ۲، ۵۴۵؛ دانش‌پژوه، ۱۳۴۲: ج ۳، ۲۳۲؛ جلالی‌مقدم، ۱۳۷۵: ج ۷، ۸۰). آنچه در نوشتار حاضر معرفی می‌شود، نسخه‌های خطی است که از کتابخانه‌های استانبول، مجلس، مرعشی، گنج‌بخش و ازبکستان به دست آمده است.

آثار کاسانی به سبک بینابین با زبانی ساده است. او رساله‌هایش را با آیه یا حدیثی آغاز می‌کند، آنگاه به شرح مضمون آن‌ها می‌پردازد؛ البته همه مطالب رساله حول محور یک موضوع نیست و موضوعات دیگری هم مطرح می‌شود. از این رو می‌توان گفت او در رساله‌هایش بیشتر شبیه به یک واعظ در بالای منبر عمل می‌کند که ابتدا موضوعی را آغاز

می‌کند اما در میانه به مباحث فرعی زیادی می‌پردازد؛ به همین دلیل است که ساختار معینی بر نوشته‌های او حاکم نیست و تکرار مضمون، جمله یا بیت نیز به‌وفور دیده می‌شود. کاسانی در طرح موضوعات عرفانی به‌شدت تحت تأثیر مثنوی مولوی است.

۴. معرفی نسخه‌ها

۴-۱. کتابخانه مجلس

۴-۱-۱. شماره ۱۰۵۶۰

نسخه ۱۰۵۶۰ مجلس (تصویر ۱) به خط نستعلیق خوش و توسط بابا گلکار، از مریدان کاسانی، به خواهش جانی بیگ سلطان‌زاده و به نام سلطان اسکندر ثانی در ۲۴۱ برگ حدوداً بین سال‌های ۹۲۰-۹۴۰ نگاشته شده است؛ بنابراین قدیمی‌ترین نسخه خطی رسائل کاسانی به شمار می‌رود. شماره ثبت آن ۸۶۶۸۸ است.

این مجموعه حاوی ۲۱ رساله است: رساله بکائیه، نصیحة السالکین، شرح حدیث سواد الوجه، تنبیه السلاطین، شرح الولد سرّایه، نفحات السالکین، رساله ذکر، شرح رباعیات، بیان سلسله خواجهگان، چهار کلمه، سلسله الصدیقین، رساله بطیخیه، مرآة الصفا، زیادة السالکین، گنج‌نامه، عشق‌نامه، وجودیه، آداب السالکین، آداب الصدیقین، معراج العاشقین یا رساله فنا و گل و نوروز.

آغاز: «بسم الله الرحمن الرحيم؛ الحمد لله الذي غفر آدم من الذنوب و الآثام والصلوة والسلام على رسوله محمد سيد الانام و على آله و اصحابه البررة الكرام، اما بعد...»

انجام: «گر بسی خواندن میسر آیدت؛ بی‌شکی هر بار خوش‌تر آیدت

زین عروس خانگی از عز و ناز؛ جز به تدریجی نیفتد پرده باز. تمت الرساله»

در این نسخه، ابیات و آیات و احادیث با رنگ قرمز نوشته شده و با علامتی شبیه به عدد ۵ مشخص شده است. در برخی موارد، کلمه بیت را به رنگ قرمز و وسط مصراع‌ها را با علامت مثلث به شکل کما ضبط و شنگرف کرده است. متن رساله‌ها در پانزده سطر همراه با رکابه برای

هر برگ تحریر شده است. این مجلد در قطع وزیری متوسطی به ابعاد «۲۲ در ۱۶ سم» است. این مجموعه دربرگیرنده حاشیه قرمز در دو برگ زوج و فرد است. شماره برگ در صفحه فرد بالای آن ذکر شده است. عنوان هر رساله به رنگ قرمز ثبت شده است. گاه در میان متن با علامتی شبیه به عدد ۷ روبه‌رو می‌شویم که به نظر می‌رسد کاتب مطالبی را که جا انداخته، در حاشیه نسخه نوشته است. جلد این نسخه از جنس تیماج زرشکی است و فقط روی هر دو دفه را روکشی از جنس مقوایی ضربی قهوه‌ای رنگ گرفته‌اند. بر اثر رفتگی و خوردگی کناره هر دو دفه، جلد تیماج آن هویدا شده است. رنگ کاغذ به حالت قهوه‌ای باز است که گاه در برخی از صفحات جای آب‌دیدگی دیده می‌شود. عبارات و آیات و احادیث هم به روال نثر، بی‌فاصله با مرکب مشکی و قرمز یکسره‌نویسی شده است.

در این نسخه نام رساله *معراج العاشقین* با عنوان *رساله فنا* ثبت شده، از ابتدا افتادگی دارد و متن رساله از برگ ۲۱۸ ب تا ۲۳۰ الف آمده است.

آغاز رساله *معراج العاشقین*: «همچنان که بود در عالم عدم جمال همچو خود را مشاهده می‌کرد و می‌دید.»

انجام: «چون که محل عروج بود، نامیده شد این نسخه را *معراج العاشقین*.

معراج عاشقی که فنای در پی فناست بر طور عشق نعره مستان کبریاست»

۴-۱-۱. ویژگی‌های رسم‌الخط

- کاربرد «ج» به جای «چ»: «جندان مبالغه کرده‌اند» (آداب الصدیقین، ۲۰۹ ب). «جون که آدمی را اولاً قابلیت آن نیست» (سلسله الصدیقین، ۸۱ الف). «لحظه‌ای چشم او از گریه و زاری خالی نبود» (بکائیه، ۳ ب).

- نوشتن «ک» به جای «گ»: «خواست که این کنج نهانی را نهانی از ایشان در کنجینه سینه آدم نهد» (گنج‌نامه، ۱۲۴ ب). «بعد از آن کل‌های مشاهدات در وی شکفتن می‌گیرد» (گل و نوروز، ۲۳۳ ب).

- نوشتن «ب» به جای «پ»: «بدان که برورش یافتن این شراب محبت به تف آتش

محبتی است» (بطیخیه، ۹۷ الف). «حق سبحانه و تعالی را جلال و جمال بود در عالم عدم پوشیده و بنهان» (مرآة الصفا، ۱۰۱ الف).

- کاربرد «الف» ممدود گاهی بدون مد: «بعد از ان حق سبحانه و تعالی گناه آدم را عفو کرد» (بکائیه، ۲ ب). «باز همه انجا جمع خواهند شد» (هذا بیان سلسله، ۷۴ الف).

- جدا نوشتن حرف اضافه «ب» از فعل امر: «به بین باری که جمیع اشیا را به طریق آفریده است» (بطیخیه، ۹۲ ب). «تو به بین باری ای بی توفیق» (بکائیه، ۵ ب).

- حذف «های» ملفوظ: «و در خم‌ها که در خم خانهای وحدت است پر می‌سازد» (گل و نوروز، ۲۳۳ ب). «مکتب‌داران و مکتب‌خانها راست سازند» (معراج العاشقین، ۲۲۵ ب).

- نوشتن «های» غیر ملفوظ واژگان مختوم به «ه» در حالت اسم مصدر: «چراکه به مجرد رسیدن نفس شوم ایشان به هرکسی فسرده‌گی و تیره‌گی پیدا می‌سازد» (گل و نوروز، ۲۳۷ الف). «حق سبحانه و تعالی را عبادت و بنده‌گی و توجه چنان است که گویا او را می‌بینی» (بطیخیه، ۱۰۰ الف).

- چسباندن حرف ربط «که» به کلمه: «بدان ای طالب صادق که دانستن این‌ها نیز ممکن نیست» (بطیخیه، ۱۹۸ ب).

- چسباندن آن و «این» به کلمه: «به صحبت شریف اینچنین صاحب دلی» (مرآة الصفا، ۱۰۳ الف).

در این نسخه غلط‌های املائی نیز دیده می‌شود؛ مانند:

- نوشتن «مقل» به جای «مصقل» در برخی موارد: «مقل آینه دل‌های خود را از زنگ تعلقات مصفا و مجلا سازند» (معراج العاشقین، ۲۱۹ الف).

- نوشتن «رازی» به جای «راضی»: «روز قیامت اوریا را چندان الطاف و انعام بکنم که از تو رازی سازم» (بکائیه، ۹ ب).

- نوشتن «صواب» به جای «ثواب»: «صواب آن بر ایشان و بر خلیفه باشد» (معراج العاشقین، ۲۲۴ الف).

- نوشتن «تنفیض» به جای «تنفیذ» در برخی موارد: «در تنفیض تصرفات به روی او

گشاده او را باز به این عالم فرستاده باشند» (هذا بیان سلسله، ۷۶ ب).



تصویر ۱: نمونه نسخه ۱۰۵۶۰ مجلس

۴-۱-۲. شماره ۳۳۵

این نسخه مجموعه‌ای است شامل یازده رساله اسرار النکاح، سماعیه، رساله در بیان ذکر، آداب السالکین، نفحات السالکین، رساله در فقر حقیقی، شرح حال بابا آدم، وجود، رساله در شرح الولد سرآبیه، نصیحت السالکین، مقامات فنا (تصویر ۲).

نسخه در قرن دوازدهم توسط محمد جمیل بن عبدالرحمن در ۱۴۷ برگ نوزده سطری به خط نستعلیق خوانا نوشته شده است. شماره ثبت مجموعه ۴۴۶۹۹۹ و ۵۴۶۳ است. برگ‌های نسخه سه حاشیه دارد که دو حاشیه آن به رنگ قرمز و یک حاشیه آن به رنگ آبی است. از لحاظ شیوه کتابت، جلد کتاب، برگ صفحات، نوع کاغذ و آب‌رفتگی برخی از قسمت‌های نسخه کاملاً شبیه نسخه ۱۰۵۶۰ مجلس است اما نامگذاری رساله‌ها با دقت

انجام نشده است؛ چنان‌که بالای اولین رساله به خط کاتب «نصیحت السالکین» نوشته شده در حالی که مطالب مربوط به رساله *اسرار النکاح* است. عنوان دیگر رساله‌ها نیز اصلاً نوشته نشده است. از دیگر ویژگی‌های نسخه این است که آیات و احادیث با جوهر قرمز حرکت‌گذاری شده و اشعار نیز با کلمه بیت با جوهر قرمز نگاشته شده است.

در برگ نخست نسخه، بالای صفحه، سرلوحه‌ای ظریف به شکل قبه با قاب گل به رنگ‌های سیاه، زرد، قرمز و آبی قرار دارد و این فضا را دو زنجیره به رنگ‌های زرد و قرمز احاطه کرده است. در بخش زیرین این سرلوحه، فضایی با زمینه آبی وجود دارد که درون آن را با گل‌های به رنگ قرمز و زرد و سفید پر کرده‌اند. این فضا با گذاشتن زنجیره‌ای زردرنگ از میان و زنجیره‌ای قرمز رنگ از پایین آن، به دو کتیبه افزوده شده است و درون کتیبه عبارت «بسم الله الرحمن الرحیم» نقش بسته و حدود یک‌سوم فضای صفحه را در بر گرفته است.



تصویر ۲: نمونه نسخه ۳۳۵ مجلس

۲-۴. کتابخانه مرعشی

نسخه کتابخانه مرعشی مجموعه‌ای است شامل هفده رساله آداب السالکین، سلسله خواجه‌گان نقشبند، چهار کلمه، سلسله الصدیقین، بطیخیه، مرآة الصفا، معراج العاشقین، آداب الصدیقین، مرشد السالکین، واقعه حقانیه، زبده السالکین، گل و نوروز، گنج‌نامه، بکائیه، شرح مصرعه، شرح رباعی احوال نیم ای دوست، شرح حدیث الفقیر سواد الوجه فی الدارین (تصویر ۳).

این نسخه از شماره ۳ / ۱۲۵۳۷ آغاز شده تا ۱۹ / ۱۲۵۳۷ ادامه یافته است. شماره مسلسل آن ۱۲۵۳۷ و اندازه جلد آن ۵ / ۵۸۲۷. ۱۵ سم است. تاریخ کتابت ۱۲۷۴ق و کاتب آن نامعلوم است. مجموعه هفده رساله در ۲۳۹ برگ هفده‌سطری (۴۶۰) صفحه به خط نستعلیق خوانا نوشته شده است. عنوان‌ها و نشانی‌ها به صورت سنگرف آمده؛ نوع کاغذ شرقی و اندازه متن ۱۸/۵ در ۹ سانتی‌متر است. شماره برگ در قسمت زوج ذکر شده است. صفحات زوج دارای رکابه است و در پاورقی برگ فرد کلمه آغازین برگ زوج نوشته شده است.

نکات قابل توجه در مورد نسخه کتابخانه مرعشی:

الف. در برگ پنجم نسخه نام پانزده رساله نوشته شده است؛ درحالی که مجموعه شامل هفده رساله است. ممکن است کسی که معرف مجموعه بوده، فقط به‌عنوان رساله‌هایی که کاتب نوشته توجه کرده اما باید گفت کاتب نسخه چندان دقیق نبوده است؛ زیرا در میان متن گاهی جای خالی گذاشته تا بقیه متن را بنویسد اما فراموش کرده است. از سوی دیگر برخی از عنوان رساله‌ها را ذکر نکرده و گاه مطالب آن‌ها را با یکدیگر ادغام کرده؛ مانند رساله بابریه و شرح رباعی احوال نیم ای دوست. بسیاری از ابیات نسخه‌ها حذف شده و از نظر دستوری نیز اشتباهاتی در آن راه یافته است.

ب. رساله شرح مصرعه به‌صورت کامل و بدون افتادگی فقط در نسخه مرعشی آمده

است.

ج. در این نسخه رساله شرح رباعی *احول نیم ای دوست* که از برگ ۲۰۳ الف آغاز و در برگ ۲۳۳ الف تمام می‌شود، درست از برگ ۲۲۳ به بعد از جمله «مکن مثل شرب خمر و زنار و غیرهما از ناکردنی‌ها» تا برگ ۲۳۱ الف بیت:

هرچه او گفت غیر آن کردن نیست سودی به جز زیان کردن

با متن همین رساله که در نسخه ۳۳۵ مجلس آمده است، کاملاً مغایرت دارد. به نظر می‌رسد مطالبی از دیگر رساله‌های کاسانی در این متن گنجانده شده است. با توجه به اینکه متن این رساله در نسخه استانبول و پاکستان نیز همانند نسخه ۳۳۵ مجلس است، رساله *احول نیم ای دوست* در این نسخه چندان قابل اعتماد نیست.

د. رساله *بکائیه* که از برگ ۱۶۸ ب آغاز و در برگ ۱۹۹ ب تمام می‌شود، مشکلاتی دارد.

در این متن از برگ ۱۸۴ ب پس از بیت:

غیر معشوق ار تماشایی بود عشق نبود هرزه سودایی بود

جمله‌ای شروع می‌شود که کاملاً با متن نسخه ۱۰۵۶۰ مجلس مغایرت دارد. جمله این است: «هرچه طریق طالبان نیز مختلف بوده است به حکم الطرق الی الله بعدد انفس الخلاق چون که این طایفه طیبیان حاذق الهی‌اند» و در پایان هم این جمله آمده:

«خدا را بر آن بنده بخشایش است که خلق از وجودش در آسایش است

رساله *بابریه* به اتمام رسید.» بر همین اساس متن رساله در نسخه *مرعشی* از همان جایی

که با نسخه مجلس متفاوت می‌شود تا پایان، در حقیقت متعلق به رساله *بابریه* است.

و. بخش‌هایی از متن رساله *معراج العاشقین* که از برگ ۶۱ الف آغاز و در برگ ۹۷ الف تمام

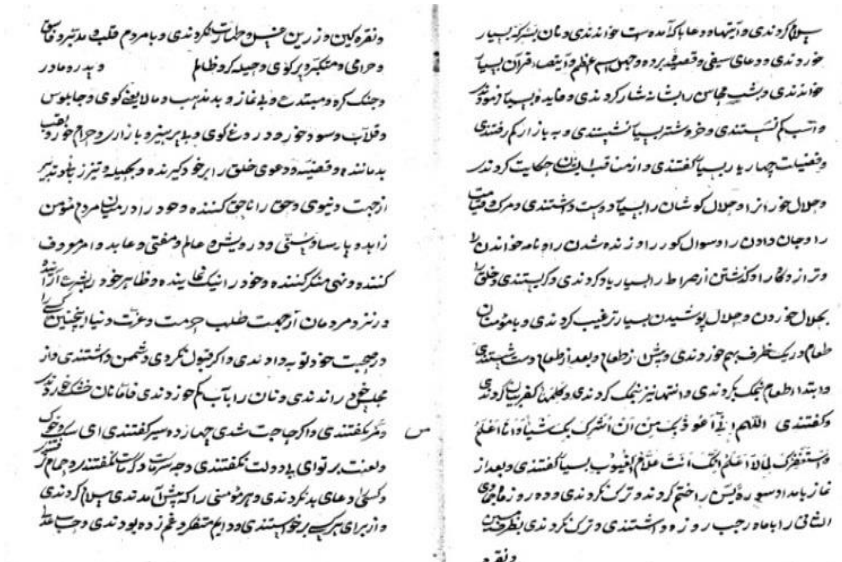
شده است، با نسخه ۱۰۵۶۰ مجلس و کتابخانه استانبول مغایرت دارد (از برگ ۸۵ الف تا آخر

متن) و به نظر می‌رسد کاتب مطالبی از رساله‌های دیگر کاسانی را در آن گنجانده است.

۴-۲-۱. ویژگی رسم الخط

- جدا نوشتن حرف منفی «ن» از فعل: «که به معشوق هم نه پردازد» (بکائیه، ۱۶ب). «جز

این شراب در کوزه استعداد خود نه بینند» (بطیخیه، ۲۰۰الف).



تصویر ۳: نسخه کتابخانه مرعشی

۳-۴. نسخه کتابخانه استانبول

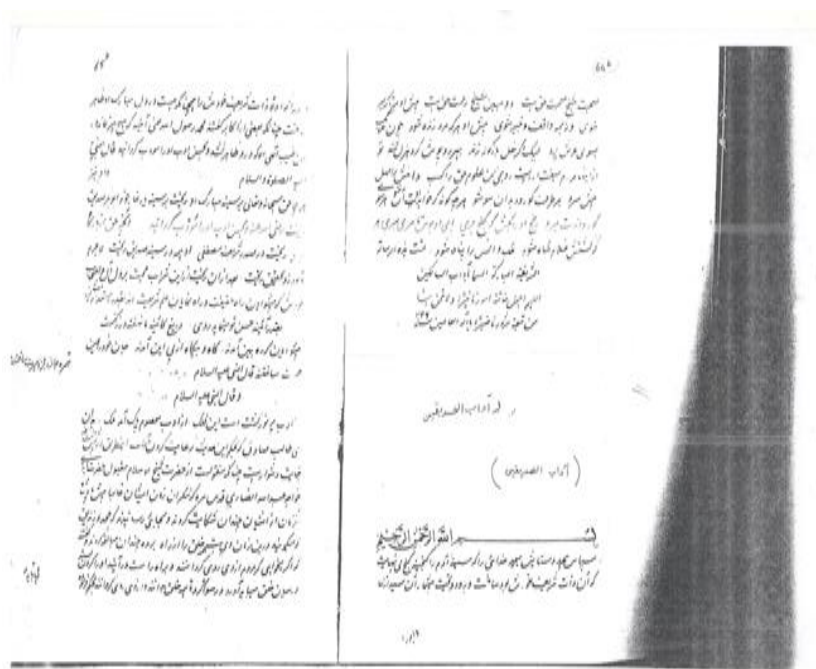
نسخه کتابخانه استانبول که در ۹۹۷ق کتابت شده و در کتابخانه استانبول نگهداری می‌شود (شماره ثبت ۶۴۹)، مجموعه‌ای است شامل ۲۹ رساله: آداب السالکین، سلسله خواجهگان نقشبند، چهار کلمه، سلسله الصدیقین، بطیخیه، مرآة الصفا، معراج العاشقین، آداب الصدیقین، مرشد السالکین، واقعه حقایق، زبدة السالکین، تنبیه السلاطین، گل و نوروز، گنج‌نامه، بکائیه، شرح مصرعه، شرح رباعی احوال نیم ای دوست، شرح حدیث الفقر سواد الوجه فی الدارین، رساله ذکر، کلمات قدسیه عبدالخالق غجدوانی (نقل از رشحات)، شصت کلمه دینی، رساله بابریه، شرح رباعیات عبیدالله‌خان، نفحات السالکین، الولد سرّایه، نصیحة السالکین، رساله وجودیه، رساله در سماع، اسرار النکاح (تصویر ۴).

نسخه در ۲۵۶ برگ ۲۱ سطری (۱ ب تا ۲۵۶ ب) به خط نستعلیق تحریری نوشته شده است. برگ‌های زوج رکابه دارند. کاتب آن نامعلوم است و از آنجا که تقریباً پنجاه سال پس

از وفات کاسانی نوشته شده، پس از نسخه ۱۰۵۶۰ مجلس قدیم‌ترین نسخه موجود از آثار کاسانی است اما متأسفانه به دلایلی عمدتاً یا سهواً تمام آیات و احادیث موجود در متن کاملاً پاک شده است. همچنین هیچ نشانه‌ای دال بر آوردن بیت نیامده است. از این رو نمی‌توان آن را نسخه‌ای کامل تلقی کرد.

۴-۳-۱. ویژگی‌های رسم الخط

- چسباندن فعل «است» به کلمه: «نشان هرچه غیر محبوبست» (بطیخیه، ۹۸ الف).
- «بزرگی نتیجه ادبست» (آداب الصدیقین، ۲۱۰ الف).
- کاربرد «ذ» به جای «د»: «به برکة ملازمت و خدمت و لت و کوب» (بطیخیه، ۱۹۹ الف).
- «مدت مدید به ریاضت و صحبت و به خدمت استعداد شریف خود را قابل این معنی ساختند» (سلسله الصدیقین، ۱۸۸ اب).



تصویر ۴: نسخه کتابخانه استانبول

۴-۴. نسخه‌های کتابخانه گنج‌بخش

۴-۴-۱. شماره ۱۴۰۱

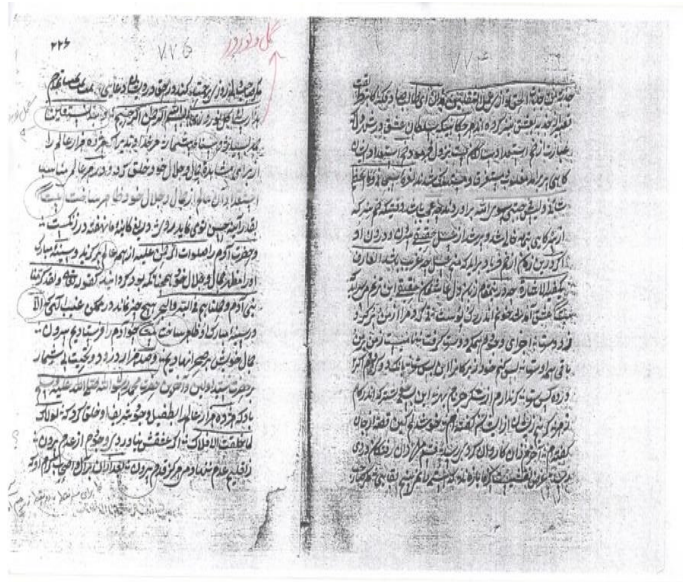
این نسخه مجموعه‌ای است شامل ۲۸ رساله: *آداب السالکین*، *سلسله خواجگان نقشبند*، *چهار کلمه*، *سلسله الصدیقین*، *بطیخیه*، *مرآة الصفا*، *معراج العاشقین*، *آداب الصدیقین*، *مرشد السالکین*، *واقعہ حقانیہ*، *زبده السالکین*، *تنبيه السلاطين*، *گل و نوروز*، *گنج‌نامه*، *بکائیه*، *شرح رباعی احوال نیم ای دوست*، *شرح حدیث الفقیر سواد الوجه فی الدارین*، *رساله ذکر*، *شصت کلمه دینی*، *رساله بابریه*، *شرح رباعیات عبیدالله خان*، *نفحات السالکین*، *الولد سرّ ابیه*، *نصیحة السالکین*، *رساله وجودیه*، *رساله در سماع*، *اسرار النکاح* و *فنائیه* (تصویر ۵).

در قسمت حواشی، ۲۹ رساله نوشته شده و عنوان «کلمات قدسیه عبدالخالق غجدوانی (نقل از رشحات)» آمده است. به نظر می‌رسد این رساله مطالبی نقل قول شده از رشحات عبدالخالق غجدوانی است و در واقع نوعی گردآوری است نه تألیف.

نسخه به خط نستعلیق پیخته به قلم محمد امین بن خلیفه حاجی قربان در سال ۱۲۸۰ق با عنوان و نشان شنگرف کتابت شده (شماره ثبت گنج‌بخش ۱۴۰۱ و پاکستان الف ۳/۶). مجموعه رساله‌های کاسانی در ۳۰۴ برگ پانزده سطری (۹۳۱ صفحه) به صورت تودرتو و ناخوانا نوشته شده است و صفحات زوج نیز رکابه دارند. در این نسخه، فاصله بین سطور رعایت نشده و نام رساله‌ها گاه در میان متن، گاه آغاز یا پایان آن آمده است. بسیاری از ابیات نوشته نشده، ضبط آیات و احادیث نیز دقیق صورت نگرفته است. ابیات در مواردی با واژه بیت مشخص شده و گاه همانند آیه یا حدیث به صورت سه نقطه مثلثی شکل متمایز شده است. ویژگی منحصر به فرد این مجموعه آن است که *رساله بابریه* در آن به صورت کامل آمده است.

۴-۴-۱-۱. ویژگی رسم الخط

- چسباندن حرف اضافه «به» به کلمه: «*بصحب* شریف این طایفه *بحکم* حدیث خیر الاعمال ادومها» (گل و نوروز، ۲۳۳ الف). «او نیز باتفاق اصحاب کرام و بمعجزات و بمقاتله و بمحاربه اکثر بلاد را مسلمان ساخت» (معراج العاشقین، ۲۲۱ ب).



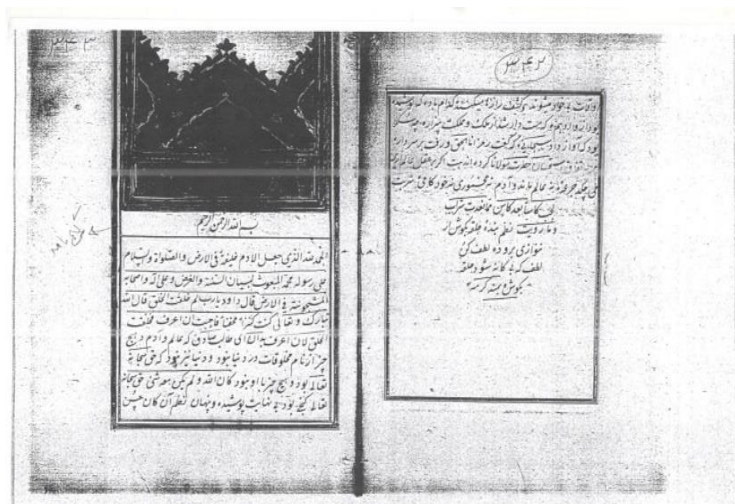
تصویر ۵: نسخه ۱۴۰۱ کتابخانه گنج‌بخش

۴-۲- شماره ۲۲۶۲

نسخه کتابخانه گنج‌بخش (شماره ثبت ۲۲۶۲، پاکستان الف ۴/۶) مجموعه‌ای است شامل سیزده رساله: احوال و مقامات طایفه صوفیان، وجودیه، آداب السالکین، سواد الوجه، نصیحة السالکین، تنبیه السلاطین، الولد سرّ ابيه، نفحات السالکین، ذکریه، گنج‌نامه، شرح ابیات خان، بیان سلسله، چهار کلمه (تصویر ۶).

این نسخه به خط نستعلیق پیخته در ۲۱۱ برگ پانزده سطری (۴۲۲ صفحه) و در سده دوازدهم نوشته شده (کاتب نامعلوم) و دارای سیزده لوح اکلیلی است. هر رساله با یک سرلوح جدول‌بندی، چهار راه به اکلیل، عنوان و نشان سنگرف مشخص شده است. در این مجموعه نام رساله‌ها نیامده، آیات و احادیث و اشعار تا حدودی مشخص است و کاتب برای مشخص کردن بیت، از واژه «نظم» استفاده کرده است و در برخی موارد جای بیت را خالی گذاشته که به نظر می‌آید قصد داشته بعد از پایان رساله، ابیات را با خط خوش یا با

رنگ دیگر بنویسد اما فراموش کرده است. افتادگی کلمه مثل جانداختن فعل در آن زیاد دیده می‌شود. در یک مورد (صفحه ۳۸۴) حتی صفحه را خالی گذاشته تا متن را بعداً بنویسد اما فراموش کرده است. پایان رساله چهار کلمه نیز افتادگی دارد.



تصویر ۶: نسخه شماره ۲۲۶۲ کتابخانه گنج‌بخش

۵. ویژگی‌های سبکی رساله‌های کاسانی

در این بخش با استفاده از کتاب‌های سبک‌شناسی بهار، غیاثی، محبوب و فتوحی، ویژگی‌های سبکی رساله‌های کاسانی بررسی شده است. برای بررسی دقیق‌تر از کتاب‌های دستور خانلری و انوری و گیوی، بیان و بدیع شمیسا و نیز لغتنامه دهخدا استفاده شده است.

۵-۱. سطح زبانی و ویژگی‌های لغوی

۵-۱-۱. کاربرد واژگان عربی

در رساله‌های کاسانی، کاربرد واژگان عربی بیشتر در اصطلاحات و مفردات دیده می‌شود اما به‌طور کلی درصد کاربرد واژگان فارسی بیشتر از عربی است.

۲-۱-۵. اصطلاحات عرفانی و کلامی

محور اصلی موضوع رساله‌های کاسانی عرفانی است؛ بنابراین در این رساله‌ها اصطلاحات عرفانی زیاد دیده می‌شود؛ اصطلاحاتی چون جمال، جلال، ذات، وجود، حضور، غیبت، مراقبه، تجلی و... .

۳-۱-۵. کاربرد واژگان و ترکیبات خاص

- «هرچگاه» به جای «هرگاه»: «آوازه‌های خوش خطابات محبوب است بر دل محب هرچگاه که خطاب محبوب آتش صفت زد» (بطیخیه، ۹۸ الف). «هرچگاه دستار خود را که آن صورت بار هستی است از سر خود برداشتند» (بکائیه، ۱۱۶ الف).

- سفک دما: خونریزی: «اعتراض کرد بر خداوند خود که از چیزی خلیفه می‌سازی که فساد و سفک دما خواهد کرد» (گنج‌نامه، ۱۲۷ ب).

- سَج: گِل به دیوار مالیدن: «بعد از خاک بیش کردن نیز بگزارد تا آن زمان که بنیاد سج انداختن کند چراکه هرچند کم‌آب‌تر اولاً پرسج‌تر» (بطیخیه، ۹۳ ب).

- داه: کنیزک: «تا مرا مردم همچو تو امین اعتقاد نکنند و داه صاحب جمال در خانه من نگذارند» (آداب الصدیقین، ۲۱۰ ب).

۲-۵. دستوری

- کاربرد «شمایان» به جای «شما»: «غنیمت دارد باد بهاری را و بدن‌های خود را از او می‌پوشانید که آن می‌کند با بدن‌های شما که در بهاران با درخت‌های شمایان می‌کند» (گل و نوروز، ۲۳۲ الف) «و شمایان از غایت جهل و غفلت از برای گناهان خود یک شب و یک روز همچون آن حضرت سر خود برهنه نمی‌کنید» (بکائیه، ۱۱۶ الف).

- کاربرد «ناکردن» به جای «نکردن»: «در اختیار ناکردن پادشاهی ظاهر بعد از مشرف شدن به سلطنت اخروی» (شرح رباعیات، ۶۵ الف). «به کردن آن از مشروعات و ناکردن آنچه از نامشروعات است» (بطیخیه، ۹۵ الف).

- کاربرد «مر» پیش از مفعول: «تا سزاوار باشد مر خلافت را یعنی هرچه در مستخلف هست» (واقعه حقانیه، ۲۳۱ب). «همه چیز را تدارک هست الا اعتراض مر این طایفه را هیچ تدارک نیست» (احول نیم ای دوست، ۲۴۸الف).
- کاربرد «می درآرد» به جای «درمی آورد»: «آتش محبتی را که در ته دل طالب است در جست و جوی می درآرد او را» (بطیخیه، ۹۸ب). «او را در گریه و زاری می درآرد و این گریه و زاری سبب می شود» (آداب الصدیقین، ۲۱۶ب).
- کاربرد «بل» به جای «بلکه»: «که در وجود او این زمان جز حق نیست لا بل به خود حاضر و به حق حاضر (احول نیم ای دوست، ۵ب). «از این راه به حقیقت مقصود متعسر است بل متعذر است گفته اند» (آداب الصدیقین، ۲۱۴ب).
- حذف فعل به قرینه معنوی: «کمال صدق و اخلاص ایشان در آن روز به پیش همه کس ظاهر شده و روی منکران سیاه شده» (آداب الصدیقین، ۲۱۰الف). «نتیجه اش حالات و مقامات و درد و سوز و معارف و حقایق الهی» (بطیخیه، ۹۵الف).
- حذف فعل به قرینه لفظی: «گاهی از نفس خود غایب می شوند و به حق حاضر و گاهی به حق حاضر و از نفس خود غایب» (احول نیم ای دوست، ۲۵۰الف). «چون که میان آب و زمین ازدواج است نتیجه اش خربزه‌های شیرین» (بطیخیه، ۹۳الف).
- کاربرد جملات کوتاه: «ایشان نیز همه را دانستند و همه را اعتراف نمودند و ملزم شدند» (گنج‌نامه، ۱۲۷الف). «گمان برده اند که مقام تکمیل و ارشاد است؛ گمان بد برده اند و غلط کرده اند» (احول نیم ای دوست، ۲۵۰الف).
- آوردن فعل جمع برای فاعل مفرد: «به قدر استعداد خود هرکس کسب این سعادت از او کرده بوده اند» (معراج العاشقین، ۲۱۵الف). «بدان ای طالب صادق که حضرت پیغامبر - صلی الله علیه و سلم - چنین می فرمایند» (بطیخیه، ۹۲الف).
- آوردن صفت مؤنث به شیوه عربی: «مقامات و درجات عالیه این طایفه» (شرح رباعیات، ۶۴ب). «به کمال حکمت بالغه خود از پهلوی چپ حضرت آدم حوا را خلق کرد» (معراج العاشقین، ۲۱۱ب).

- آوردن فعل اول جمله: «دانسته که این عمل اوست به مقتضای علم خود» (سلسله الصدیقین، ۸۹الف). «کشد ایشان را به صحبت شریف این طایفه» (گل و نوروز، ۲۳۲ب). «آمدیم به بیان خواب صوفیان» (احول نیم ای دوست، ۲۴۹الف).

۳-۵. ادبی

۳-۵.۱. تکرار

- تکرار واژگان: «نسبت شریف را از کامل مکملی گرفته باشد که او از کامل مکمل دیگر گرفته باشد. مراد از کامل مکمل کسی است که به ورزش این نسبت شریف در صحبت کامل مکمل دیگر تمام از مقام وجود و هستی بیرون آمده باشد» (سلسله الصدیقین، ۹۰الف). «بعد از دخول در نسبت شریف این طایفه علیه او احوال و مشرف شدن وجود شریف ایشان به باد نوروزی عبارت از نفس شریف و نظر شریف و صحبت شریف این طایفه علیه است بهترین جمیع اعمال پیش خدای تعالی صحبت شریف ایشان است» (گل و نوروز، ۲۳۱الف).

- تکرار ساخت‌های نحوی: «هرکه یافت مرا شناخت مرا یعنی هرکه شناخت مرا دوست داشت مرا یعنی هرکه دوست داشت مرا عاشق شد مرا یعنی هرکه عاشق شد مرا عاشق می‌شوم من او را» (بکائیه، ۱۶ب). «قول آنجا که قدم قدم آنجا که قول دل آنجا که تن تن آنجا که دل» (مرشد السالکین، ۲۲۴ب). «هرچند جلالتش ظهور بیش هرچند ظهور بیش معرفت بیش هرچند معرفت بیش محبت بیش هرچند محبت بیش کمال بیش» (بابریه، ۲۸۰ب).

- تکرار حرف «واو»: «به صفت صدق و ارادت و علم و حکمت در باطن شریف حضرت قاسم بن ابی بکر صدیق» (سلسله الصدیقین، ۸۱ب). «به کمال عنایت و فضل و کرم خود ابر و باد و مه و خورشید و فلک را مربی او می‌گرداند تا آن کمال او را حاصل شود» (گل و نوروز، ۲۳۳الف).

- تکرار حرف اضافه: «که گاهی به غزلی و به رباعی و به بیتی این ضعیف را التفات می‌کردند» (احول نیم ای دوست، ۲۴۸الف). «از اوامر و نواهی از وعده و وعید از برای

مصقل آیینۀ دل‌های ایشان او نیز به ایشان تعلیم کرد» (معراج العاشقین، ۲۱۳ الف).
- تکرار فعل: «بدان ای طالب صادق که حق - سبحانه و تعالی - جسم نیست جوهر نیست
عرض نیست و این است منزله از همه اشیاء» (گنج‌نامه، ۱۳۱ الف). «هرچه گفتند در آن حال
به حق گفتند و از حق گفتند و بر حق گفتند» (معراج العاشقین، ۲۰۳ ب).

۲-۳-۵. تنابع اضافات

«پیر مغان بر کام جان طالبان فیض مالانهایه الهی است» (گل و نوروز، ۲۳۴ الف). «کامل
مکمل به مملکت عشق که عبارت از شهر دل عاشقان حقیقی است» (شرح مصرعه، ۲۰۰ الف).

۳-۳-۵. طرد و عکس

«دل آنجا که تن، تن آنجا که دل» (مرشد السالکین، ۲۲۵ ب). «هرچند فیض بیش،
استعداد بیش هرچند استعداد بیش، فیض بیش» (گل و نوروز، ۲۳۴ الف).

۴-۳-۵. ترکیبات متناقض‌نما و تضاد

«این است سود بی‌نهایت نهایی که از سرمایه سعادت بالای تاجران انبیا و اولیا حاصل
کردند» (بکائیه ۱۲ ب). «از حال و مقام عالی خود خبر کرده به زبان بی‌زبانی حق - سبحانه و
تعالی -» (احول نیم ای دوست، ۲۴۷ ب).

«و مقام شهود وحدت در کثرت و فرق بعد الجمع» (سلسله نقشبندیه، ۷۶ ب). «بی‌ادبی از
او نسبت به پیر در حضور یا در غیبت واقع شود» (بابریه، ۲۸۶ الف).

۵-۳-۵. تلمیح به آیات و احادیث و اشعار

این آرایه یکی از ویژگی‌های چشمگیر رساله‌های کاسانی است: «همچنان که به نسبت
حضرت واقع شد که «مَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى» (انفال: ۱۷) (سلسله نقشبندیه،
۷۶ ب). «از حضرت مولانا پرسیدند که وجد چیست؟ فرمودند که الوجد انزعاج الروح لا
خیال غلبه الشوق» (شرح مصرعه، ۲۰۲ ب). «سخنان حضرت شیخ از ابتدا تا انتها دلالت
می‌کند بر این مقام عالی بیت: این مرتبه‌ای است بس خطرناک / در وی همه رهنان بی‌باک /
این مرتبه روح آدمی راست / روحی که برای محرمی راست» (مرشد السالکین، ۲۲۷ الف).

۶-۳-۵. جناس

«بدان که اهل صفا و وفا این طایفه‌اند» (مرآة الصفا، ۱۰۴ الف). «از جمیع علوم و اعمال و افعال و کردار و ذکر و فکر بنده‌ها» (گل و نوروز، ۲۳۸ ب). «سعادت‌مند کسی است که به این نسبت فقر فخر می‌کند» (سلسله الصدیقین، ۸۹ ب). «بعد از پیدا شدن درد طلب در طالب» (بابریه، ۲۸۴ ب). «هوش در دم، نظر در قدم» (احول نیم ای دوست، ۲۴۸ ب).

۷-۳-۵. مراعات نظیر

«سنگ و کوه و چوب و صحرا و جانوران همه با او در ناله و زار می‌درآمده‌اند» (بکائیه، ۱۰ الف). «معلوم شد غالباً که شریعت و طریقت و حقیقت هر سه یک چیز بوده‌اند» (معراج العاشقین، ۲۱۰ ب).

۸-۳-۵. تشبیه

این آرایه بیشتر به صورت اضافه تشبیهی است؛ «حضرت آدم و حوا را که در چاه زندان دنیا انداختن» (بکائیه، ۲ ب). «و این ضعیف در حوض دل ایشان ریخته» (احول نیم ای دوست، ۲۴۸ ب).

تمثیل: این آرایه در برخی از رساله‌ها کم و در تعدادی دیگر بیشتر استفاده شده است: «بدان ای طالب صادق که این صورت را اکابر طریقت تشبیه و تمثیل کرده‌اند. این بدان می‌ماند که صاحب جمالی بر کمالی دارد یک نوعی خود را می‌بیند و به جمال خود عشق‌بازی می‌کند و همه‌کس نیز می‌بینند و به جمال او عشق‌بازی می‌کنند او نیز به جمال خود یک نوع عشق‌بازی می‌کند با این همه بسنده نمی‌کند می‌خواهد که او را آینه‌ای باشد تا هر زمان جمال و جلال خود را در آینه مشاهده کند. همچنین حق - سبحانه و تعالی - خواست که جمال و جلال بیچونی خود را در آینه دیگران مشاهده کند هرژده هزار عالم بیافرید یعنی هرژده هزار آینه برای مشاهده جمال و جلال خود خلق کرد در هر آینه، مناسب استعداد آن آینه، جمال و جلال خود را مشاهده کند» (معراج العاشقین، ۲۰۱ الف).

۵-۴. محتوایی

مضامین اصلی مطرح‌شده در رساله‌های کاسانی را می‌توان در چند محور تقسیم‌بندی کرد:

الف. عشق: «عبارت از عشق آن شاهباز حقیقی است که هر لحظه و هر زمان از آشیان دل سالک پرواز می‌کند و می‌رساند خود را به محبوب حقیقی که حق است سبحانه و تعالی» (معراج العاشقین، ۲۳۵ب). کاسانی هدف حق از آفرینش جهان را عشق به حق می‌داند: «غرض از خلقت بشر محبت رب العالمین است» (باب‌یه، ۲۹۳ب). او معتقد است تمام عالم آینه‌ای از وجود خالق هستی است و خداوند سبحان با نظاره در آن‌ها با خود عشق‌بازی می‌کند و انسان با تجلی جمال حضرت حق در این دنیا با حق عشق‌بازی می‌کند. در این هنگام عشق و عاشق و معشوق یکی است. این عشق و محبت میان حق تعالی و بنده جلوه آیه «یحبههم و یحبونه» است که لازمه رسیدن به آن نوعی دگرگونی روحی است که منجر به تهذیب و تزکیه نفس گردد. در این هنگام شخص خود را جزئی جداناپذیر از عالم هستی می‌داند که می‌خواهد دنیای درون و بیرون را با یکدیگر پیوند دهد و عشق که در ضمیر ناخودآگاه انسان وجود دارد برزخی است برای اتصال من ملکوتی یا روحانی و من زمینی: «چون که آدم مرکب است از روح انسانی و حیوانی پس چاره نباشد هیچ‌کس را از عبادت که مصقل آینه ظاهر و باطن اوست تا به قدر جلال آن به این دو محل ظهور آن ذات شریف شود مع جمیع اسما و صفات» (باب‌یه، ۲۸ب).

لازمه عشق فقر و فناست «یعنی فقیر هرگاه که مقام سیر الی الله را تمام کرده به مقام سیر فی الله درآمده دیگر او را احتیاج گفتار و رفتار نمی‌باشد؛ چراکه او در این مقام عین معشوق شده است. در این راه برنده او را و راه نماینده معشوق است هر جا که خواهد این مقام عشق است» (معراج العاشقین، ۲۰۵الف).

ب. هدف خداوند از آفرینش جهان؛ از دیدگاه کاسانی، هدف حق از آفرینش عالم نه سود به خود بوده نه جود به مخلوق بلکه برای شناخته شدن خود بوده است؛ او در رساله‌هایش این حدیث قدسی را بسیار تکرار می‌کند: «كنت كنزاً مخفياً فاحببت ان اعرف» و

اینکه انسان آیینۀ تجلی جمال و جلال الهی است.

کاسانی، «عبادت» را که در قرآن هدف آفرینش ذکر شده، وسیله‌ای برای تزکیه می‌شمارد که انسان از آن طریق می‌تواند به کمال سعادت دست یابد: «چون‌که عبادت مصقلی است از جهت زدودن زنگ آیینۀ دل‌ها... و غرض مشرف ساختن بوده است ایشان را به این سعادت بی‌نهایتی که گفته شد» (معراج العاشقین، ۲۲۰ الف). وی یکی از دلایل آمدن آدم و حوا را به دنیا از دیاد نسل آدم بر زمین و بیشتر شدن آیینه‌های جمال و جلال الهی می‌شمارد.

ج. درد: از دیدگاه کاسانی آن حالتی است که با سوزوگداز همراه است که این گوهر شریف را حضرت حق در نهاد انسان به ارمغان نهاده است و انسان‌ها با آن مورد امتحان الهی قرار می‌گیرند و به نسبت ظرفیت هرکس میزان درد متفاوت است. درد به‌خاطر فراق از محبوب ازلی است و ذره‌ای درد برتر است از طاعت اولین و آخرین؛ آتش افروزنده درد، پیر است: «مراد از درد آن شعله آتش محبتی است که به‌واسطه پیر از ته دل طالبان پر می‌زند و می‌سوزد هرچه نشان غیر معشوق است» (گل و نوروز، ۲۳۵ ب).

د. فنا: عارفان هریک دارای مقام‌های متعددی هستند که مهم‌ترین آن‌ها مقام فناست. این مقام فنا از دیدگاه کاسانی سه نوع است: فنا وجود بشریت که نهایت مبتدیان است، فنا نفس سالک که نهایت متوسطان است و فنا وصف سالک که نهایت منتهیان است و همان فنا فناست؛ مرتبه مخصوص پیامبر^(ص) که سالک در این مرتبه می‌تواند به دیدار خدا نائل شود. رسیدن به همه این مراتب در گرو پیروی از شریعت و اطاعت از پیر است.

۶. نتیجه‌گیری

خواجه احمد کاسانی از عارفان قرن دهم و یکی از پیران طریقت نقشبندیه است که بیش از سی رساله با موضوع عرفانی تألیف کرده است. مجموعه رسائل او هنوز تصحیح و چاپ نشده و فقط چند رساله به‌صورت پراکنده در قالب مقاله یا پایان‌نامه تصحیح شده است.

نسخه‌های خطی موجود از رساله‌های کاسانی در کتابخانه‌های متعددی نگهداری می‌شود؛

از جمله کتابخانه مجلس، دو نسخه به شماره‌های ۱۰۵۶۰ و ۳۳۵؛ آیت‌الله مرعشی شماره ۱۲۵۳۷، استانبول شماره ۶۴۹، گنج‌بخش دو نسخه به شماره‌های ۱۴۰۱ و ۲۲۶۲. در این مقاله ویژگی این نسخه‌ها از نظر رسم‌الخط و تعداد رساله‌ها بررسی شد. از نظر قدمت و اعتبار نسخه ۱۰۵۶۰ مجلس که توسط بابا گلکار، مرید کاسانی نوشته شده، بهتر است اما فقط شامل ۲۱ رساله کاسانی است. استفاده از نسخه‌های دیگر برای تکمیل مجموعه رسائل او مفید است؛ اما مسائلی چون بی‌دقتی‌های کاتب در ثبت و ضبط مطالب، افتادگی یا حذف آیات، احادیث و ابیات از اعتبار آن‌ها کاسته است.

بررسی ویژگی‌های سبکی کاسانی در رساله‌ها نشان می‌دهد که وی از شیوه‌ای بنیابین برای بیان مطالب عرفانی بهره برده است؛ چنان‌که در کنار استفاده از جملات کوتاه و کاربرد واژگان عربی به صورت متعادل، تلمیح بسیاری به آیات، احادیث و ابیات فارسی به‌ویژه اشعار مثنوی دارد. از ویژگی‌های بارز سبکی او می‌توان به آرایه تکرار اشاره کرد؛ این تکرار را در واژگان، فعل‌ها، ساخت‌های نحوی و حروف ربط و اضافه می‌توان دید که به نظر می‌رسد به قصد تأکید بر مطالب و برای یادگیری بهتر مخاطب بوده است.

مضامین مطرح شده در رساله‌ها شامل عشق حق تعالی به بنده، درد و سوز، هدف خداوند از آفرینش انسان، فنا و انواع آن، اهمیت جایگاه پیر در راه سیر و سلوک، وظایف مرید است. این مضامین در بیشتر رساله‌ها تکرار شده است و همین امر باعث شده بسیاری از رساله‌ها به هم شبیه شوند و در نتیجه برخی کاتبان دچار اشتباه شوند؛ چنان‌که مثلاً در نسخه کتابخانه مرعشی، بخش‌هایی از رساله بابریه با رساله بکائیه ادغام شده است.

منابع

۱. ابوالبقا بن بهاء‌الدین بن مخدوم اعظم، جامع المقامات، نسخه خطی کتابخانه گنج‌بخش پاکستان، شماره ۸۳۴.

۲. انوری، حسن و احمدی گیوی، حسن (۱۳۷۹)، *دستور زبان فارسی*، چ ۱۹، تهران: فاطمی.
۳. بخاری، صلاح بن مبارک (۱۳۷۱)، *انيس الطالبين و عدة السالكين*، تصحيح خليل ابراهيم صاري اوغلي، به كوشش و تلاش توفيق سبحاني، تهران: بی‌نا.
۴. بهار، محمدتقی (۱۳۴۹)، *سبک‌شناسی* (۳ جلد)، تهران: پرستو و امیرکبیر.
۵. بنی‌طبا، حسنا سادات (۱۳۸۹)، «خواجگی کاسانی و آثارش»، *ماه فلسفه*، شماره ۳۷، ۱۰۲-۹۳.
۶. پژوهنده، لیلا (۱۳۷۷)، «گل و نوروز»، *مقالات و بررسیها*، دفتر ۶۳، ۱۹۷-۲۳۷.
۷. جلالی‌مقدم، مسعود، «احمد کاسانی» (۱۳۷۵)، در *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، جلد هفتم، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۸. دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۴۲-۱۳۵۸ش)، *نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران*، ج ۳ و ج ۹.
۹. *دانشنامه ادب فارسی؛ ادب فارسی در آسیای میانه* (۱۳۸۰)، جلد ۱، مقاله نوشاهی، ذیل احمد کاسانی؛ تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۰. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، *لغتنامه دهخدا*، تهران: دانشگاه تهران.
۱۱. سلطانی، منظر و همکاران (۱۳۹۸)، «معرفی جلال‌الدین احمد کاسانی و رسائل فارسی و ویژگی‌های سبکی او»، *فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی*، سال دوازدهم، شماره ۲، ۱۷۱-۱۸۷.
۱۲. سمرقندی، ابوطاهر (۱۳۶۷ش)، *سمریه، قندیه و سمریه*، به کوشش ایرج افشار، تهران: مؤسسه فرهنگی جهانگیری.
۱۳. شمیسا، سیروس (۱۳۸۱)، *بیان*، تهران: فردوس.

۱۴. — (۱۳۸۶)، نگاهی تازه به بدیع، چ ۳، تهران: میترا.
۱۵. — (۱۳۷۸)، کلیات سبک‌شناسی، تهران: فردوس
۱۶. صفایی کاتب، قاسم بن محمد، انیس الطالبین، تهران: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره ۱۱۰۶.
۱۷. عبدالمقندر، خان بهار (۱۹۴۲)، مرآة العلوم، پتنه: بی‌نا.
۱۸. غیائی، محمد (۱۳۶۸)، درآمدی بر سبک‌شناختی ساختاری، تهران: جهاد دانشگاهی.
۱۹. فتوحی رودمجنی، محمود (۱۳۹۱)، سبک‌شناسی (نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها)، چ ۱، تهران: سخن.
۲۰. کاسانی، احمد (۹۹۸-۹۹۷ق/۱۵۹۰-۱۵۸۹م)، مجموعه رسائل، نسخه خطی کتابخانه دانشگاه استانبول، شماره ۶۴۹.
۲۱. —، مجموعه رسائل، نسخه خطی کتابخانه گنج‌بخش پاکستان، شماره ۱۴۰۱.
۲۲. —، مجموعه رسائل، نسخه خطی کتابخانه مجلس، شماره ۱۰۵۶۰.
۲۳. —، مجموعه رسائل، نسخه خطی کتابخانه مرعشی، شماره ۱۲۵۳۷.
۲۴. کشمی بدخشی برهانپوری، محمدهاشم (۱۳۷۴)، نسمة القدس من حدائق الانس، تصحیح منیر جهان‌ملک، تهران: کتابخانه دانشکده ادبیات، پایان‌نامه دکتری.
۲۵. محجوب، محمدجعفر (بی‌تا)، تاریخ مقدمه: سبک خراسانی در شعر فارسی، تهران: فردوسی و جامی.
۲۶. معینان، علی‌اصغر (۱۳۵۲)، «سماع در نقشبندیه»، گوهر آبان، شماره ۱۰، ۹۶۶-۹۷۲.
۲۷. منزوی، احمد (۱۳۶۴)، فهرست مشترک نسخه‌های خطی کتابخانه گنج‌بخش، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان اسلام‌آباد: بی‌نا.
۲۸. ناتل خانلری، پرویز (۱۳۷۸)، دستور تاریخ زبان فارسی، به‌کوشش عفت مستشارنیا،

چ ۴، تهران: توس.

۲۸. نفیسی، سعید (۱۳۴۴)، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم

هجری، بی‌جا: کتاب‌فروشی فروغی.

29. **Enternational dictionary of historic places: Asia and Oceania.**